

صنیع الملک

مؤسس اولین هنرستان نقاشی ایران

کارشناس ارشد نقاشی - هنرآموز
انیسه برخواه

چکیده

این مقاله درباره زندگی نامه و فعالیت های بزرگ ترین هنرمند عصر قاجار، صنیع الملک است. استاد ابوالحسن غفاری (۱۲۲۹-۱۲۸۳ ه.ق) که بیش از یک هزار و پانصد اثر رنگ و روغن و لیتوگرافی از وی به جای مانده است، به یقین پرکارترین نگارگر و تواناترین چهره پرداز سراسر تاریخ نگارگری ایران است. وی مؤسس اولین هنرستان نقاشی ایران است.

بخش عمده آثار استاد صنیع الملک، ۱۱۳۴ نقاشی

آبرنگ شبه مینیاتور است که در نسخه خطی شش جلدی کتاب هزار و یک شب محفوظ مانده است. به گفته پیش کسوت هنرشناسان دوره قاجار، «بی. دبلیو رابینسن»، «او بزرگ ترین مرجع ما در هنرهای دوره قاجار است.»

کلیدواژه ها: نقاشی قاجار، صنیع الملک، هنرستان نقاشی، پدر گرافیک ایران، هزار و یک شب، روزنامه دولت علیه ایران.



آبرنگ روی کاغذ ۲۴/۳×۳۲/۸ سانتی متر
«رقم ابوالحسن غفاری نقاشباشی تحریر فی شهر رجب المرجب ۱۲۷۰»
موزه لوور پاریس، بخش اسلامی MAO ۷۷۷

می توان گفت، شکل
رسمی و اصلی
آموزش در ایران در
هنرستان نقاشی
که استاد ابوالحسن
صنیع الملک، آن را
تأسیس کرد، آغاز
شد

مقدمه

آموزش هنر نقاشی در ایران در دوره‌های مختلف، ویژگی‌ها و روش‌های گوناگون داشته است. در گذشته، نقاشان و هنرمندان در کتابخانه‌های سلطنتی گرد هم می‌آمدند و به کار ترسیم و ترویج نقاشی می‌پرداختند. جمعی از نقاشان و هنرمندان هم در صورتخانه‌ها یا کتابخانه‌ها که شکل‌های دیگر آموزش هنر بوده است، فعالیت می‌کردند.

بیشتر آثار هنری استادان بزرگ نقاشی، چه در کارگاه‌های ساده و چه در کارگاه‌های همایونی، با کمک و دست‌یاری شاگردان و هنرورزان اجرا می‌شد. آن‌ها پس‌زمینه‌ها را رنگ‌آمیزی می‌کردند و خطوطی را که استاد یا هنرورز چیره‌دستی کشیده بود، اجرا می‌کردند. به طور کلی شاگردان کارهایی را انجام می‌دادند که دقت و ظرافت زیادی نمی‌خواست؛ مثلاً صنایع‌الملک در کاخ نظامیه چهره‌ها را طرح می‌زد و شاگردانش لباس‌ها را می‌کشیدند.

می‌توان گفت، شکل رسمی و اصلی آموزش در ایران در هنرستان نقاشی که استاد ابوالحسن صنایع‌الملک، آن را تأسیس کرد، آغاز شد. شاهان قاجار، هنرمندان را به دربار خویش وارد می‌کردند و آن‌ها در میان هنرمندان، نقاشان و سایر هنرمندان تجسمی جایگاه خاصی داشتند. این کارگاه، همچون سده‌های پیشین، نقاش‌خانه یا کارگاه نقاشی نامیده می‌شد.

دریافت مقام نقاش‌باشی

میرزا ابوالحسن خان بر اساس ذوق فطری و استعداد خانوادگی، زیر دست استادان و آموزگاران خود، کم‌کم پیشرفت کرد و هنر خود را تکمیل کرد و در رده نگارگران سرشناس روزگار خود قرار گرفت؛ به طوری که در سال ۱۲۵۸ ق که جوانی بیست‌ونه ساله بود، در زمان پادشاهی محمدشاه قاجار (۱۲۲۲-۱۲۶۴ ق) به او اجازه داده شد، تابلوی رنگ روغنی از صورت شاه بکشد و در ردیف نگارگران دربار درآید. او پس از چندی به سمت «نقاش‌باشی» دربار محمدشاه منصوب شد.

نخستین اثر موجود از صنایع‌الملک

تابلوی رنگ روغن محمدشاه که رقم «چاکر جان‌نثار، ابوالحسن ثانی غفاری» و تاریخ «۱۲۵۸» دارد، کهن‌ترین اثر وی است و پیش‌تر از این تاریخ، تاکنون اثری از او دیده نشده است. (ذکاء، ۱۳۸۲: ۱۹)

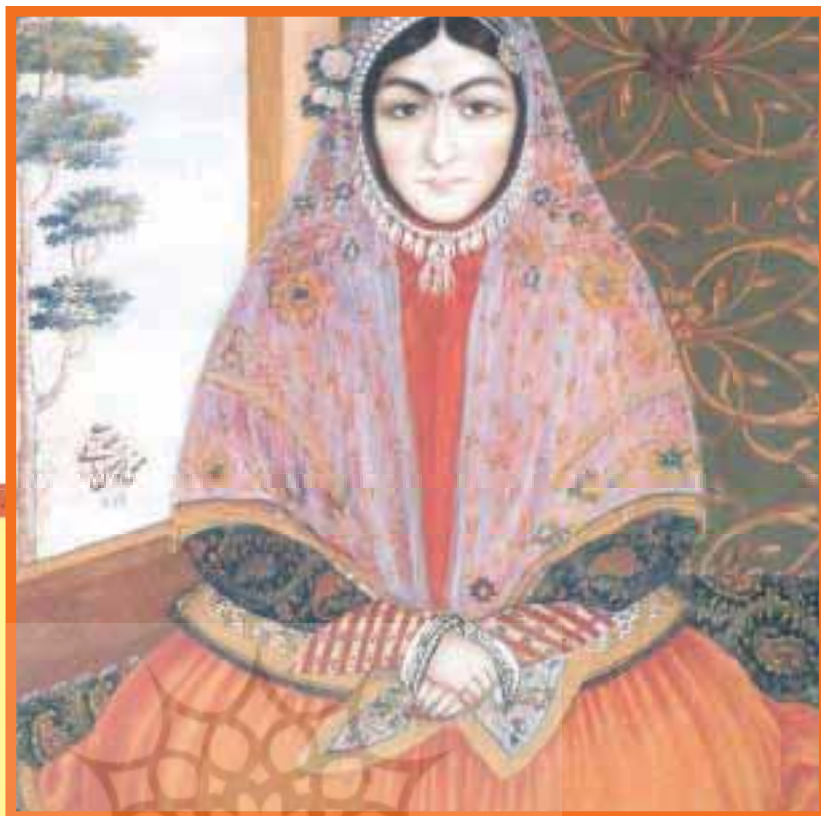
سفر اروپا

هدف دولت از اعزام نقاشان بالاستعداد به اروپا، تربیت گروهی از نقاشان ایرانی برای یادگیری نقاشی سبک اروپایی

تولد و نخستین آموزگار

میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی، معروف به «ابوالحسن ثانی» و ملقب به «صنایع‌الملک» فرزند میرزا محمد غفاری، نگارگر و گرافیست هنرمند سده سیزدهم هجری است. از قرآینی که در دست است، حدود سال ۱۲۲۹ ق در کاشان چشم به جهان گشود و پس از گذراندن دوران کودکی و به پایان رسانیدن آموزش‌های نخستین، حدود پانزده - شانزده سالگی برای آموختن نقاشی، به نزد «استاد مهرعلی اصفهانی»، نگارگر و نقاش‌باشی معروف دربار فتحعلی‌شاه فرستاده شد.

او نخستین هنرمند
ایرانی بود که
در اروپا آموزش
دید. ابوالحسن در
موزه‌های فلورانس
و رم به رونگاری از
آثار هنرمندان عصر
رنسانس پرداخت



آبرنگ روی کاغذ ۱۹×۲۵ سانتی‌متر
«مشق ابوالحسن ثانی غفاری ۱۲۵۹»
مجموعه خصوصی، فرانسه

کند. او چندی بعد با اخذ لقب صنیع‌الملک، اجازه تأسیس مدرسه دولتی نقاشی و چاپ را گرفت. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۵۹) دوستعلی خان معیرالممالک در کتاب خود، رجال عصر ناصری، می‌نویسد:

صنیع‌الملک از خانواده غفاری بود. ناصرالدین شاه که نقاشی را بسیار دوست می‌داشت و خود با مداد و سیاه‌قلم شبیه‌سازی می‌کرد، چون متوجه ذوق و قریحه میرزا ابوالحسن خان شد، او را برای فراگرفتن دقیق فن نقاشی به اروپا فرستاد. چند سال در پاریس و رم مشغول کار بود و ایام فراغت را در موزه‌ها به تماشا و مطالعه می‌گذرانید. پس از بازگشت، اداره انطباعات به او محول شد و شبیه‌شاهزادگان و بزرگان ایران و خارجه را برای چاپ در روزنامه مصور می‌کرد. فن او در رنگ و روغن، شبیه‌سازی و کپی بود. (معیرالممالک، دوستعلی خان، ۱۳۶۱: ۴-۲۷۳).

بازگشت به ایران

احتمالاً طبق قراین، او در سال ۱۲۶۳ ه. ق به این سفر رفت و در سال ۱۲۶۶ از سفر اروپا به ایران بازگشت. در زمان بازگشت او، دو یا سه سال از سلطنت ناصرالدین شاه می‌گذشت.

بود تا بتوانند در کشور به کسانی که استطاعت سفر به اروپا ندارند، نقاشی سبک اروپایی را آموزش دهند. (آژند، ۱۳۸۱: ۲۰) بر همین اساس، صنیع‌الملک برای هنرآموزی و آشنایی با فن چاپ سنگی به ایتالیا فرستاده شد (حدود ۱۲۶۲).

او نخستین هنرمند ایرانی بود که در اروپا آموزش دید. ابوالحسن در موزه‌های فلورانس و رم به رونگاری از آثار هنرمندان عصر رنسانس پرداخت. زمانی که به ایران بازگشت، ناصرالدین میرزا به پادشاهی رسیده بود. شاه جدید او را به مقام نقاش‌باشی دربار منصوب کرد. ابوالحسن غفاری (بعدها لقب صنیع‌الملک گرفت) حتی پیش از سفر به ایتالیا، مهارت خود را در شبیه‌سازی با استفاده از اسلوب پردازش نشان داده بود. بعدها با تأثیرگرفتن از آثار استادان اروپایی، تحولی در اسلوب و شیوه و دید هنری‌اش پدید آمد. او اگرچه اصول و قواعد علمی طبیعت‌نگاری اروپایی را به خوبی درک کرد؛ همواره بر آن بود که روح سنتی ایرانی را زنده نگه دارد.

به فرمان ناصرالدین شاه مسئولیت طبع روزنامه دولت علیه ایران به ابوالحسن غفاری سپرده شد و مقرر شد برای هر شماره این روزنامه، تصویری از رجال و وقایع جاری تهیه

صنیع الملک در دومین روزنامه ایران، روزنامه دولت علیه ایران که به طور هفتگی منتشر می‌شد، تک‌چهره‌هایی از شاهزادگان و اشراف را قلم می‌زد یا بر طراحی آن‌ها نظارت می‌کرد

رشد آموزش
دوره هشتم
شماره ۴
تابستان ۱۳۹۰
۲۸

ابوالحسن خان ضمن بازگشت به میهن، بر اساس تمایل شدیدی که به تعلیم و توسعه هنر نقاشی در ایران و تربیت شاگردان مستعد در این رشته داشت، مقداری وسایل نقاشی و باسمه‌های رنگی و گراورهای فراوان از کارهای استادان اروپایی، مانند میکال آنژ، رافائل و تیسین با خود آورد که بعدها در تکمیل هنرستان نقاشی که بنیاد نهاد، از آن‌ها استفاده کرد. (ذکاء، ۱۳۸۲: ۲۴)

حاصل سفر

تجربه خلّاق و شکل‌پذیری ذوق میرزا ابوالحسن محمد حسن خان نقاش‌باشی، از سفرش به رم و پاریس مایه گرفت. او در آنجا به مدت شش سال به مثنی‌برداری از آثار استادان اروپایی، مانند رافائل پرداخت. در تک‌چهره او از خورشید خانم، منظره‌پردازی در چند اسلیمی خلاصه شده و بیشترین توجه هنرمند به شخصیت خورشید خانم معطوف شده است.

صنیع‌الملک در دومین روزنامه ایران، روزنامه دولت علیه ایران که به طور هفتگی منتشر می‌شد، تک‌چهره‌هایی از شاهزادگان و اشراف را قلم می‌زد یا بر طراحی آن‌ها نظارت می‌کرد.

هزار و یک‌شب

خود ناصرالدین شاه به صنیع‌الملک سفارش داد تا کتاب هزار و یک‌شب را مصور سازد که امروزه بخشی از آن در کتابخانه سلطنتی موجود است. (اسکارچیا، ۱۳۸۴: ۵۲-۵۳) کار ترجمه کتاب هزار و یک‌شب در سال ۱۲۵۹ ه. ق به پایان آمد و در سال ۱۲۶۱ ه. ق نخستین بار، میرزا علی خوشنویس در تبریز آن را چاپ سنگی کرد. به قول علی اصغر حکمت، نثر طسوجی «از حیث فصاحت کلام و حسن تعبیر و سلاست سخن و کمال یکی از آثار بدیعۀ زبان فارسی است.»

یک مترجم ایرانی (طسوجی - م.) در سال ۱۸۴۴/۱۲۶۰ ترجمه‌ای از هزار و یک‌شب منتشر کرد که به شهرت دست یافت. محمدشاه دستور داد که هنرمندان ایرانی آن را

کتاب‌آرایی کنند؛ ولی پیش از اینکه کتاب به سامان برسد، در گذشت. فرزند او ناصرالدین شاه تصمیم گرفت به آرزوی



میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی و بیمار آبرنگ روی کاغذ ۴۹/۵×۶۸/۵ سانتی‌متر ۱۲۷۶ کاخ موزه گلستان تهران، شماره موزه ۸۶۷۶

پدر جامعه عمل بپوشاند، چون بروگش گزارش می‌دهد که این نسخه را برای مادر شاه کار کردند. قرار شد، کتابت آن به عهده آقامیرزا حسین باشد و نگاره‌ها و نقاشی‌های آن را صنیع‌الملک انجام دهد و تذهیب صفحات آن هم در مسئولیت مذهب‌باشی قرار گیرد. هزینه کل آن را ۷۰۰۰ تومان برآورد کردند.

کل این پروژه زیر نظر حسین خان معیرالممالک قرار داشت و به گفته‌ای در خانه او انجام شد. هزار و یک شب، ۳۶۰۰ داستان داشت و ۳۰ تا ۴۰ نفر نقاش زیر نظر صنیع‌الملک روی آن کار کردند. این اثر بین سال‌های ۱۲۶۸ ق. ۱۸۵۲/م. و ۱۲۷۶ ق. ۱۸۶۰-۵۹/م. در شش مجلد کار شد و در برگیرنده ۱۱۳۴ صفحه تذهیب‌شده بود. هر صفحه، سه تا چهار نگاره و در مجموع، کتاب ۳۴۰۰ نگاره دارد. شاه از نتیجه کار بسیار خرسند شد و به سه تن از هنرمندان آن، خلعت شاهانه بخشید.

اینکه قرار شد هزار و یک‌شب را در خانه یکی از درباریان شاه کار کنند، ظاهراً حاکی از آن است که در زمان ناصرالدین شاه کارگاه نقاشی همایونی در کاخ وجود نداشت؛ اینکه عبدالله مستوفی در فهرست خود اصلاً بیوتات شاهی از نقاشخانه یاد نکرده است، نتیجه بالا را تقویت می‌کند. (آژند، ۱۳۸۱: ۱۴، ۱۳)

تأسیس نخستین هنرستان نقاشی در ایران

منزلتی که میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک پس از بازگشت از سفر ایتالیا به‌دست آورده بود، با صدور فرمان لقبش از سوی ناصرالدین شاه کامل شد. او با به‌دست آوردن مکانی مناسب در کنار ارگ دولتی و عمارت سلطنتی برای نقاشی و تصویرسازی و چاپ، در تحقق یکی از آرزوهای دیرینش، بنیادنهادن هنرستانی برای تعلیم نقاشی، مصمم شد و با وسایلی که به همین منظور از ایتالیا آورده بود، این آرزو را عملی کرد. او در ابتدای کار برای زمینه‌چینی و آماده‌سازی افکار در روزنامه دولت علیه ایران، آغاز به کار هنرستان را با عبارت «کارخانه باسمة تصویر و نقاشخانه دولتی» خبر داد. در خبر توضیح داد که این هنرستان با وسایل و شرایط هنرستان‌های

نقاشی که وی در ایتالیا دیده، ترتیب داده شده است و می‌تواند تصاویر از افراد و مجالس مختلف را چاپ کند و جوانان

میرزا ابوالحسن خان
 بر اساس ذوق فطری
 و استعداد خانوادگی،
 زیر دست استادان
 کم کم پیشرفت
 کرد و هنر خود را
 تکمیل کرد و در رده
 نگارگران سرشناس
 روزگار خود قرار
 گرفت؛ او پس از
 چندی به سمت
 «نقاش باشی» دربار
 محمدشاه منصوب
 شد

رشد آموزش
 دوره هشتم
 شماره ۴
 تابستان ۱۳۹۰
 ۲۹

هزار و یک شب
 جلد اول
 آبرنگ روی کاغذ ۱۸×۳۲ سانتی متر
 کتابخانه کاخ گلستان، تهران، شماره
 کتابخانه خطی ۲۲۴۰



صنیع‌الملک پس از بازگشت از اروپا به دستور ناصرالدین شاه، در سال ۱۲۷۷ ق. ۱۸۶۱ م. مدرسه‌ای به نام «مکتب نقاشی مجانی» تأسیس کرد و در آن شماری شاگرد را آموزش داد. او، نه بر پایه‌ی استاد - شاگردی نظام کهن ایران، بلکه بر اساس نظام آموزشی جدید، یعنی ایجاد کلاس برای شاگردان بود. صنیع‌الملک یک کارگاه (آتلیه) و نمایشگاه عمومی بر پا کرد. کلاس درس او بعدها در دارالفنون ادغام شد. در آنجا نقاشی و طراحی از موضوع‌هایی بود که دانش‌آموزان یاد می‌گرفتند؛ البته این تعلیم هنوز حالت واقعی آکادمی هنر به

می‌توانند در آنجا تحصیل کنند و مردم هم می‌توانند برای تماشا به آنجا بروند.

پس از نشر این اطلاعیه، صنیع‌الملک مقدمات کار را طوری فراهم آورد که روزی ناصرالدین شاه، خود شخصاً از آنجا بازدید کرد و رسماً اجازه‌ی افتتاح هنرستان را صادر کرد. (ذکاء، ۱۳۸۲: ۴۹)

صنیع‌الملک پس از بازگشت از اروپا به دستور ناصرالدین شاه، در سال ۱۲۷۷ ق. ۱۸۶۱ م. مدرسه‌ای به نام «مکتب نقاشی مجانی» تأسیس کرد و در آن شماری شاگرد را آموزش داد. تعلیم او، نه بر پایه‌ی استاد - شاگردی نظام کهن ایران، بلکه بر

اساس نظام آموزشی جدید، یعنی ایجاد کلاس برای شاگردان بود. صنیع‌الملک یک کارگاه (آتلیه) و نمایشگاه عمومی بر پا کرد. کلاس درس او بعدها در دارالفنون ادغام شد. در آنجا نقاشی و طراحی از موضوع‌هایی بود که دانش‌آموزان یاد می‌گرفتند؛ البته این تعلیم هنوز حالت واقعی آکادمی هنر به



رنگ روغن ۱۷۵×۱۱۲ سانتی‌متر
«غلام‌جان نائر ابوالحسن نقاشباشی سنه ۱۲۵۹»
کاخ موزه هنر گلستان، ت. شماره موزه ۸۲۹۰

خودنگرفته بود، چون دانش‌آموزان ناگزیر بودند موضوعات درسی غیرهنری را نیز فرا گیرند. (آژند، ۱۳۸۱: ۲۰)

اعلان نقاشخانه دولتی

در روزنامه دولت علیه ایران که طراحی و مدیریت آن به عهده صنیع‌الملک بود، می‌خوانیم:

«چون در روزنامه سابق قلمی شده بود که بعد از اتمام عمل نقاشخانه، به جهت اطلاع مردم اعلان جدید خواهد شد که هر کس خواسته باشد، طفل خود را به نقاشخانه ببرد که تحصیل این صنعت لطیف نماید، دانسته باشد، لهذا چون این اوقات، عمل ترتیب نقاشخانه از هر حیث پرداخته شده است، اعلان و اعلام می‌شود که از این تاریخ به بعد، هر کس خواسته باشد طفل خود را به مکتب نقاشخانه ببرد، نقاشخانه دولتی باز است و صنیع‌الملک روزهای شنبه، خود به تعلیم شاگردان خواهد پرداخت و سایر ایام، شاگردان در همان نقاشخانه از روی پرده‌های کار استاد و صورت‌ها و باسمه‌های فرنگستان و غیره

به مشق نقاشی و تحصیل این صنعت بدیع می‌پردازند و روز جمعه را که از ایام تعطیل ملت و دولت است، به جهت آمد و شد تماشاچیان قرار داده شده است که از نوکران درباری و سایر اصناف، اعم از هر کس طالب تماشای نقاشخانه باشد، بیاید و تماشا نماید. به جهت اطلاع ناظرین اعلان شد.» (صنیع‌الملک، ۱۲۷۸: ۶)

بدین سان با کوشش‌های خستگی‌ناپذیر صنیع‌الملک، نخستین هنرستان نقاشی دولتی برای تعلیم نقاشی به طرز و اسلوب جدید با دست او در ایران بنیاد نهاده شد و با تربیت شاگردان و نقاشان مبرزی در این رشته، فصل نوینی در تاریخ هنر و نقاشی ایران گشوده شد. (ذکاء، ۱۳۸۲: ۵۰)

فعالیت این هنرستان هر چند دیری نپایید، در ایجاد حرکتی تازه در نقاشی ایران مؤثر بود.

دیگر فعالیت‌های

صنیع‌الملک

در میان آثار معروف صنیع‌الملک، تک‌چهره‌هایی از پدرش بر روی اسب، تک‌چهره‌هایی از میرزا آغاسی صدر اعظم، یک قلمدان و بالاتر از همه، یک پرده نقاشی از دربار ناصرالدین شاه است که شاهکار صنیع‌الملک است. تعدادی از مطالعات آبرنگ او درباره‌ی این نقاشی در موزه کاخ گلستان و کتابخانه سلطنتی موجود است. (اسکارچیا، ۱۳۸۴: ۵۳)

نوآوری صنیع‌الملک، به‌ویژه در عرصه چهره‌نگاری واقع‌گرایانه رخ نمود. او، نه فقط در شبیه‌سازی خصوصیات ظاهری، بلکه همچنین در نمایاندن حالات و شخصیت افراد نهایت دقت و مهارت را به کار می‌برد. صنیع‌الملک را به دلیل پیش‌گامی او در کار چاپگری، می‌توان پدر هنر گرافیک ایران خواند. کار او را ابوتراب، موسی و مهدی در نشریات شرف و شرافت دنبال کردند. (رهنورد، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

درباره تاریخ مرگ صنیع‌الملک، نظرهای مختلف و تاریخ‌های گوناگون داده‌اند و سال‌های زندگانی او را متفاوت نوشته‌اند؛ ولی بنا به استنباط‌هایی که موجود است، وی در فاصله اواخر شوال و اوایل ذیقعدة ۱۲۸۳ ه. ق، یعنی در حدود

پنجاه و چهار سالگی چشم از جهان فرو بسته است. مدفن وی در سر قبر آقای امام جمعه نزدیک به خیابان حضرت عبدالعظیم قرار دارد. (ذکاء، ۱۳۸۲: ۵۳-۵۴)

نتیجه

صنیع الملک هنرمند طبیعت گرایی بود که بیش از همه به طراحی و نقاشی از چهره انسان علاقه مند بود. وی در طراحی، رنگ آمیزی، ترکیب بندی و انتخاب موضوع، هیچ گاه اصالت و ایرانی بودن خود را فراموش نکرد و با آنکه از شیوه های هنر غربی بسی چیزها آموخته بود، هیچ گاه خود را در برابر آن نباخت و شخصیت هنری خود را زبون آن نکرد. همین اصل است که جایگاه او را در میان هنرمندان و سده های اخیر ایران مشخص و ممتاز می کند و مقام و عزت هنری اش را در نظر دوست داران نقاشی اصیل ایرانی بالا می برد.

منابع

۱. اسسکارچیا، تاریخ هنر ایران (جلد دهم) هنر صفوی، زند و قاجار، ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۴.
۲. فلور، ویلم، پیتر چلکووسکی، نقاشی دوره قاجار، ترجمه یعقوب آژند و مریم اختیار، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
۳. پاکباز، روبین، نقاشی ایران (از دیر باز تا امروز)، چاپ هفتم، تهران، انتشارات زرین و سیمین، ۱۳۸۱.
۴. حکمت، علی اصغر، مقدمه هزار و یک شب، تهران، انتشارات کلاله خاوری، ۱۳۱۵.
۵. ذکاء، یحیی، زندگی و آثار صنیع الملک، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۲.
۶. رهنورد، زهرا، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: نگارگری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
۷. صنیع الملک، روزنامه دولت علیه ایران، شماره ۵۲۰، بیست و هفتم شوال ۱۲۷۸.
۸. معیر الممالک، دوستعلی خان، رجال عصر ناصری، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.



چهره اردشیر میرزا، تهران،
ق. ۱۲۶۹ ه.ق